بسم الله الرحمن الرحیم.

بناء عقلاء بر حجیت خبر واحد.

چهارمين و مهم‏ترين دليل بر حجيّت خبر واحد «[بناء عقلاء](http://wikifeqh.ir/%D8%A8%D9%86%D8%A7%D8%A1_%D8%B9%D9%82%D9%84%D8%A7)» است.

تعریف بناء عقلاء :بسیاری از اصولیین ‏‎ ‎قائلند که مراد از بنای عقلا(یا ‏سیره عقلا) سیره و عملی است که ناشی از فطرت‎ ‎و ‏ارتکاز انسان‌ها‎ ‎باشد نه سیره ناشی از مبادی‎ ‎دیگر، مانند اجبار‎ ‎و ستم‎ ‎حاکمی‎ ‎زورمند یا دستور‎ ‎پیامبری‎ ‎الهی[[1]](#footnote-1).

دليل چهارم از دو مقدّمه قطعى تشكيل مى‏شود:

مقدّمه اول: بنا و دأب عقلا بر اين است كه در كليّه امور زندگى و مسائل اجتماعى‌شان بخبر واحد و به قول كسى كه مورد وثوق است و از نظر راستگويى مورد اعتماد مى‏باشد، عمل مى‏كنند و این بخاطر آن است كه از خبر و قول شخص موثّق، اطمينان و سكون نفس و آرامش خاطر حاصل مى‏كنند و به احتمال خلاف و كذب در مورد خبر واحد اعتنا و توجّهى ندارند؛ و بدون شك قوام معيشت انسان‏ها و نظام زندگى اجتماعىّ آنان مبتنى بر عمل كردن به خبر واحد است چه آنكه تحصيل علم و يقين در همه مسائل و امور، غير ممكن است و اگر قرار باشد كه مردم در همه مسائل و امور زندگى‏شان تحصيل يقين نمايند نظام اجتماعىّ بشر، مختل شده و اضطراب و نگرانى بر جامعه حاكم خواهد شد.

مقدّمه دوم: سيره و روش مسلمين و شارع مقدّس همان روش عقلاء مى‏باشد، چه‌آنكه اگر شارع مقدّس روش عقلا را نسبت به مسائل شرعى و احكام الهى قبول نداشت، بايد اعلام مى‏فرمود كه در مسائل دينى و تحصيل احكام الهى فقهى، عمل كردن به خبر ثقة جائز نمى‏باشد. چنانچه در مواردى كه بناء عقلا مورد پسند شارع مقدّس نبوده است اعلام ردع فرموده است، مثلا: عقلا بما هم عقلا معاملات ربوى را انجام مى‏دادند و شارع مقدّس جلوى اين بنا را مى‏گيرد و اعلام ردع مى‏نمايد.

نتيجه مقدّمه دوم آن است كه از عدم ردع، موافقت شارع مقدّس در مورد عمل به خبر ثقة كشف مى‏شود و از هر دو مقدّمه نتيجه مى‏گيريم كه نسبت به احكام شرعى خبر ثقة از نظر شارع مقدّس حجّت خواهد بود.

اشکال: کمااینکه مرحوم شيخ انصارى در رسائل فرموده بناء عقلاء با سه شرط حجت است:

‏1- شارع مقدّس از بناء عقلا اطلاع پيدا كند.‏

‏2- مانعى برای شارع نسبت به ردع و منع از بناء عقلاء موجود نباشد.‏

‏3- منع و ردعى از ناحيه شارع مقدّس نرسيده باشد.‏

بنابراین بناء عقلاء در صورتی حجت است که از طرف شارع ردع نگردد، لکن آیات نهی از تبعیت ظن و لزوم عمل بر طبق علم رادع از این بناء است:

از جمله قول تعالى: (وَ لا تَقْفُ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ) و قول معصوم علیه‎السلام: و ما لم تعلموا فردّوه الينا ...

بنابراين بناء عقلا مبنى بر عمل به خبر واحد ثقه مورد رضاى شارع مقدّس نبوده و ردع و منع از آن ثابت است، فلذا با بناء عقلا نمى‏توان حجيّت خبر ثقة را به اثبات رساند.

پاسخ: مرحوم مظفر می‌فرماید: این اشکال در استصحاب هم بیان گردید و ما در آنجا گفتیم که عمل بر طبق استصحاب عمل بر طبق ظاهر است نه واقع.

اما چون لسان امارات لسان واقع است و ما در امارات به دنبال واقع هستیم باید در مقام جواب دیگری بدهیم پس می گوییم:

خبر واحد ثقه تخصصا از آیات ناهیه خارج است.

دو بیان برای اثبات خروج تخصصی:

1. بیان مرحوم اصفهانی: مراد از تبعیت نکردن از ظن در آیات و روایات، ظنی است که پشتوانه عقلی ندارد و عقلاء آن را قبول ندارند، ؛ و حال آنکه در خبر واحد عقلا به پشتوانه عقل به خبر ثقه عمل می کنند، بنابراین عمل به خبر ثقه کار غیر عقلائی نیست و از اساس مشمول آیات ناهیه نمیگردد.

2. بیان ميرزاى نائينى: آيات ناهيه از عمل به بدون علم شامل خبر ثقه نمى‏شود و خبر ثقه خروج موضوعى دارد به دليل اينكه آيات مى‏گويند: از علم بدون علم و يا از ظن(مطلق) متابعت نكنيد، و در نزد عقلا عمل به خبر ثقه عمل بدون علم نيست، بلكه عمل به علم است به دليل اينكه و لو در باب خبر ثقه دو درصد احتمال خلاف هست، ولى عقلاى عالم و عرف عام به اين احتمال ضعيف اعتنا نمى‏كنند و خبر ثقه را به چشم علم نگاه مى‏كنند.

مرحوم مظفر در تکمیل پاسخ می‎فرماید: اگر اين آيات صلاحيت رادعيت از عمل به خبر ثقه را داشت، هرآينه اين امر در ميان مسلمين معروف مى‏گشت و ائمه عليهم السّلام كه عالمان حقيقى به علوم قرآن‏اند بيان مى‏كردند و زبان به زبان مى‏گشت تا به دست ما مى‏رسيد، و در نتيجه اين سيره عقلاييه در نزد مسلمين و نسبت بخصوص احكام شرعيه منقطع الآخر مى‏شد، درحالى‏كه مكرر گفته‏ايم كه سيره مسلمين از صدر اسلام تا به امروز براساس عمل به خبر ثقه بوده است.

بنابراین بناء عقلاء بر خحیت خبر واحد یک دليل قطعى است و شكى در آن راه ندارد، زيرا مركب از دو مقدمه قطعى است:

1- ثبوت بناء عقلا بر اعتماد به خبر ثقه و پذيرش آن است.

2- بناء عقلاء کاشف از موافقت شارع و اشتراكش با ايشان است، زيرا او رئیس عقلاست. فلذا اگر راضی نمی‌بود، باید از آن ردع میکرد و حال آنکه ردعی ننموده.

پایان مباحث حجیت سنت.

1. توجه: بین سیره متشرعه و سیره عقلا از سه جهت تفاوت وجود دارد، در کاشف و منکشف و شرائط کشف.کاشف در سیره عقلاء یک مسئله عمومی است که مرتبط با همه عقلاست، لکن در سیره متشرعه کاشف خاص است و فقط مخصوص به متشرعین است. اما منکشف در سیره عقلاء حکم امضایی است، بخلاف سیره متشرعه که منکشف حکم تأسیسی است. شرط کشف هم در سیره عقلاء امضاء و عدم الردع است؛ لکن در سیره متشرعه خود سیره دلیل بر امضاست. [↑](#footnote-ref-1)